

## بیانیه گرایش کمونیسم شورایی

### درباره‌ی همبستگی بین‌المللی، استانداردهای دوگانه و مرزبندی با ارتجاع



در دو سال گذشته، پس از حمله ۷ اکتبر و جنگ ویرانگر در غزه، شاهد موج گسترده‌ای از اعتراضات در اروپا و آمریکای شمالی در محکومیت دولت اسرائیل و در حمایت از مردم فلسطین بوده‌ایم. این اعتراضات، فارغ از گرایش‌های متنوع درونی‌شان، نشان‌دهنده ظرفیت همبستگی جهانی با مردمی تحت ستم بود. حضور پرشمار نیروهای مترقی در این اعتراضات نشان داد که وجدان انسانی هنوز می‌تواند در برابر بی‌عدالتی بسیج شود و همبستگی فراملی شکل بگیرد.

اما هم‌زمان، در ایران نیز خیزش‌های مردمی با سرکوبی خونین، بازداشت‌های گسترده، و نقض سیستماتیک حقوق انسانی مواجه شد. هزاران خانواده داغدار شدند، شمار زیادی زندانی و مجروح گشتند، و فضای جامعه با خشونت دولتی درهم شکسته شد. با این حال، بخش بزرگی از همان نیروهای چپ که با صدای بلند از عدالت برای فلسطین سخن می‌گویند، در قبال سرکوب مرگبار مردم ایران سکوت اختیار کردند یا واکنشی بسیار کم‌رنگ نشان دادند.

هم اکنون به دنبال خیزش انقلابی و آزادی خواهانه مردم ایران؛ توده‌های وسیع از محرومان، زحمتکشان، زنان، دانش‌جویان، جوانان و نوجوانان نسل زد، صاحبان مشاغل آزاد و بازاریان و دیگر گروه‌های تحت ستم و استبداد رژیم فاسد اسلامی، در سخت‌ترین و بی‌رحمانه‌ترین موج کشتار و سرکوب قرار گرفته‌اند. انقلاب دی ماه این سال در طی دو روز بیش از ۳۵۰۰۰ کشته مردم بی‌سلاح و معترض را به دنبال داشت و هم‌چنان توسط همه‌ی کار به دستان دستگاه‌های سرکوبگر مورد تهدید، ارباب و سرکوب می‌شود. هنوز دامنه و عمق این کشتار هولناک و بی‌سابقه در تاریکی سانسور و قطع ارتباطات و اینترنت و صدور روایت‌های بی‌شرمانه و سراپا دروغین رژیم، به طور کامل روشن نگردیده است.

ما این رویکرد را نه ناشی از کمبود اطلاعات، بلکه حاصل یک چارچوب سیاسی معیوب می‌دانیم؛ چارچوبی که دولت جمهوری اسلامی را صرفاً به دلیل تقابلی با غرب و اسرائیل، در «اردوگاه مقاومت» قرار می‌دهد و در نتیجه، سرکوب داخلی، زندان، شکنجه و کشتار معترضان را به حاشیه می‌رانند یا توجیه می‌کند. این نگاه، بیانگر نوعی چپ محور مقاومتی است؛ جریانی که به‌جای ایستادن در کنار مردم، در کنار دولت‌ها و بلوک‌های قدرت می‌ایستد. نگرشی که دولت‌ها و بلوک‌های ژئوپولیتیک را جایگزین مردم می‌کند و هر نیرویی را که در تقابل با آمریکا یا اسرائیل قرار گیرد، به‌طور پیشینی در «جبهه درست تاریخ» می‌نشاند — حتی اگر همان نیرو، در داخل مرزهای خود یا در منطقه، سرکوبگر، اقتدارگرا و ضد آزادی‌های پایه‌ای باشد.

از دید ما، این رویکرد بیانگر ورشکستگی اخلاقی و سیاسی است. نمی‌توان علیه اشغال، آپارتاید و کشتار غیرنظامیان در یک‌سو فریاد زد، اما در برابر زندان، شکنجه و کشتار معترضان در سوی دیگر سکوت کرد؛ فقط چون حکومت سرکوبگر در صفتبندی ژئوپولیتیک مطلوب ما قرار گرفته است. چنین استاندارد دوگانه‌ای، همبستگی بین‌المللی را از درون تهی می‌کند و مفهوم رهایی را به ابزار رقابت دولت‌ها تقلیل می‌دهد. همبستگی، اگر گزینشی باشد، دیگر همبستگی نیست؛ به ابزار صفتبندی دولت‌ها تنزل پیدا می‌کند.

ما میان مردم فلسطین و نیروهای ارتجاعی اسلام‌گرا تمایزی قاطع قائل هستیم. مردم فلسطین مردمی‌اند با حقوق تاریخی پایمال‌شده، زندگی‌هایی در محاصره و ناامنی، و نسلی که زیر سایه جنگ و بی‌ثباتی رشد کرده است. حق آنان برای

برخورداری از کرامت انسانی، امنیت، برابری حقوقی و امکان همزیستی عادلانه و صلح‌آمیز با مردم اسرائیل، حقی انکارناپذیر است. دفاع از این حقوق، بخشی از تعهد هر نیروی آزادی‌خواه است.

اما در همان حال، ما تروریسم اسلام‌گرایانه و سیاست‌های ضدانسانی جریان‌هایی چون حماس، حزب‌الله لبنان و جهاد اسلامی را صریح و بی‌ابهام محکوم می‌کنیم. این نیروها نماینده رهایی مردم نیستند. ساختار ایدئولوژیک اقتدارگرا، سرکوب آزادی‌های فردی و اجتماعی، تبعیض جنسیتی، و دشمنی با نیروهای سکولار و مترقی، آنان را به بخشی از یک محور ارتجاعی منطقه‌ای بدل کرده است.

کارنامه این جریان‌ها فقط در تقابل نظامی با اسرائیل خلاصه نمی‌شود؛ بلکه در سرکوب صداهای مستقل، حذف نیروهای دموکراتیک، و هم‌سویی سیاسی و امنیتی با جمهوری اسلامی ایران نیز قابل مشاهده است. ایستادن این نیروها در کنار حکومتی که مردم ایران علیه آن برای آزادی و کرامت انسانی به پا خاسته‌اند، ماهیت واقعی آنان را آشکار می‌کند. ما اجازه نمی‌دهیم نام «مقاومت» به پوششی برای تظہیر ارتجاع مذهبی، سرکوب زنان، حذف دگراندیشان و نابودی چشم‌اندازهای رهایی‌بخش بدل شود. نیرویی که آزادی را در درون جامعه خود خفه می‌کند، نمی‌تواند پرچمدار آزادی برای دیگران باشد.

چپ رهایی‌خواه و شورایی، معیار قضاوت خود را نه صف‌بندی دولت‌ها، بلکه منافع و کرامت انسان‌های فرودست قرار می‌دهد — چه در غزه، چه در تهران، چه در بیروت و چه در هر نقطه دیگر جهان. ما هم‌زمان: جنایات جنگی، مجازات جمعی و سیاست‌های سرکوب‌گرانه علیه مردم فلسطین را محکوم می‌کنیم؛ سرکوب، زندان، اعدام و کشتار معترضان در ایران را با همان صراحت محکوم می‌نماییم؛ جریان‌های اسلام‌گرای مسلح و اقتدارگرا را که خود مانعی در برابر رهایی مردم منطقه‌اند، نقد و افشا می‌کنیم و خواهان نابودی قطعی آن‌ها هستیم؛

هر گرایشی در چپ جهانی را که سرکوب داخلی را به نام «مقاومت» نادیده می‌گیرد یا توجیه می‌کند، به چالش می‌کشیم. ما از تمامی نیروهای مترقی، اتحادیه‌ها، گروه‌های دانشجویی، سازمان‌های چپ و فعالان حقوق بشر در سراسر جهان می‌خواهیم:

سرکوب مردم ایران را بدون قید و شرط محکوم و علیه آن موضع علنی و فعال اتخاذ کنند؛

مرزبندی روشنی میان همبستگی با مردم منطقه و حمایت سیاسی از دولت‌ها و نیروهای سرکوب‌گر برقرار سازند؛

صدای زندانیان سیاسی، خانواده‌های دادخواه و جنبش‌های مردمی ایران را به عرصه‌های بین‌المللی ببرند؛

هم‌زمان از حقوق مردم فلسطین برای زندگی آزاد و برابر دفاع کنند، بی‌آنکه چشم بر ارتجاع مذهبی و اقتدارگرایی نیروهای مسلح غیردموکراتیک ببندند.

رهایی مردم خاورمیانه نه از مسیر قدرت‌های اشغالگر و مداخله‌گری ارتجاع اسلامی می‌گذرد و نه از مسیر بنیادگرایی مذهبی مسلح. آینده از آن جنبش‌های مردمی، سکولار، برابری‌طلب و آزادی‌خواهی است که علیه هر دو قطب مخاصمه — اشغال و استبداد مذهبی — می‌ایستند.

**زنده باد همبستگی جهانی**

**زنده باد آزادی، برابری اداره‌ی شورایی**

**گرایش کمونیسم شورایی**

**۹ فوریه ۲۰۲۶ برابر ۲۰ بهمن ۱۴۰۴**